

همراه با آثار و گفتاری
درباره مکتب سلیمانی از:

حجج اسلام والمسلمین
علی سعیدی شاهرودی
عبدالله حاجی صادقی
علی شیرازی
و
عباس سلیمی نمین
احد کریمخانی

پای حرف‌های تعدادی از
همسران شهدای مدافع حرم

**بچه‌های شهدا
دوباره یتیم شدند**

**انگوی زنده اسلامی و جهانی
آینه تمام‌نمای مکتب امام خمینی (ره)
۱۰ شاخصه مکتب سلیمانی برای پاسداران**

تلاش برای تحقق اراده ولی



علیرضا جالبیان

خبرنگار

در آستانه چهلمین روز شهادت سردار مقاومت سپهبد شهید

حاج قاسم سلیمانی پای حرف‌های حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی، رئیس دفتر عقیدتی-سیاسی فرمانده معظم کل قوا که از سالیان دراز با شهید سلیمانی آشنایی داشته و در دوره نمایندگی ولی فقیه در سپاه از نزدیک با وی همکاری کرده، نشستیم تا در تبیین مکتب شهید سلیمانی ابعاد سیاسی شخصیت آن شهید را بررسی کنیم.

رئیس دفتر عقیدتی - سیاسی فرمانده کل قوا در این گفت‌وگو تأکید کرد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب شهید سلیمانی ولایت‌مداری در بالاترین سطح آن است، به گونه‌ای که این شهید بعد از طی مراحل ولایت‌مداری به دنبال تحقق اراده و تدبیر ولایت که بالاترین سطح ولایت‌مداری است.

مکتب سلیمانی چیست و چرا رهبر معظم انقلاب از واژه مکتب دربارۀ ایشان استفاده کردند؟

مکتب نامیدن شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی نگاه جدیدی است که رهبر معظم انقلاب هوشمندانه مطرح کردند. در واقع مکتب شمولیت بزرگی دارد که مبانی، اصول، اهداف و ایدئولوژی را در بر می‌گیرد.

مکتب سلیمانی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و حاکمیت اندیشه و مبانی توحیدی و الهی در جغرافیای جهان اسلام و مقاومت است.

چه اصول و مبانی بر مکتب شهید سلیمانی متصور است؟

برای این مکتب می‌توان چند مبنا را برشمرد، اولین مبنا تغییر گرایش ملت‌های منطقه غرب آسیا به اسلام بود؛ این در حالی است که تا پیش از آن منطقه محل تاخت‌وتاز آمریکایی‌ها شده بود و همین امر دومین مبنا، یعنی خیزش‌های انقلابی را در منطقه رقم زد و الآن هم در برخی جاها آتش زیر خاکستر است.

مبنای سوم، انگیزه و روحیه مقاومت در این مکتب است که بر پایه تأکید اسلام، امام و رهبر معظم انقلاب روی این موضوع شکل گرفته است و این روحیه بر اثر این مکتب در منطقه جاری شد.

مکتب سلیمانی ظرفیت اسلام را برای پاسخشگویی به نیازهای جامعه اثبات کرد و از طرفی سبب شد ظرفیت‌های تقابل تمدنی بین اسلام و غرب عیان شود.

اصولی هم بر این مکتب متبادر است؛ اصل اول در این مکتب فرانگری در مسئله امنیت بود، یعنی امنیت فرمانطقه‌ای و فرامرزی است، همان چیزی که امیرالمؤمنین علی(ع) در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه درباره آن سخن گفتند و از مردم کوفه گلایه داشتند که مردمی که در خانه خود با دشمن می‌جنگند؛ خوار و ذلیل خواهند شد. البته برخی مسئولان و خواص و طرفداران‌شان در ابتدا مخالف حضور ایران در خارج بودند؛ اما امروز که دستاوردهای آن را دیده‌اند، دیگر مخالف نیستند.

دیگر مشخصه مکتب سلیمانی گسترش استکبارستیزی در منطقه است. تا مدت‌ها آسأل مردم منطقه آمریکا بود، اما آرام آرام بر اثر عنایت‌های امام و رهبر معظم انقلاب این روحیه شکل گرفت و با تلاش شهید سلیمانی در منطقه دمیده شد.

اصل دیگر در مکتب سلیمانی که خیلی

شاخص است، ولایت‌مداری و در بالاترین درجه پیاده کردن اراده ولی بود. چهارمین اصل حاکم بر این مکتب سلیمانی اصل مشروعیت وسیله است. باور اسلام این است که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و وسیله هم باید مشروعیت داشته باشد.

تبدیل نبرد نابرابر به نبرد نامتقارن و ایجاد بازدارندگی در دشمن از دیگر دستاوردهای اقدامات حاج قاسم است که در مکتب خود آن را محقق کرده است. روزی فلسطین با سنگ مقاومت می‌کرد و حزب‌الله با سلاح سبک و نیمه سنگین، اما امروز با سلاحی مانند موشک توازن و بازدارندگی بین جریان‌های مقاومت و دشمن در منطقه ایجاد شده که این محصول تفکر نبرد نامتقارن و نااهمتر است.

مهم‌ترین اصل این مکتب اصل اتکا به ذات ربوبی و معنویت است. همین اتکا به ذات ربوبی و عنصر معنویت نصرت الهی را به همراه داشته و ما بارها در مأموریت‌های مربوط به حاج قاسم در نیروی قدس و دفاع مقدس این نصرت الهی را درک کرده‌ایم. بر اساس قرآن اگر صبر، بصیرت و ایمان با هم جمع شوند، نصرت الهی محقق می‌شود.

ایجاد رعب در دشمن اصل دیگر این مکتب است. ایجاد رعب در دشمن هم در قرآن آمده و هم در تاریخ صدر اسلام وجود داشته و خداوند تأکید دارد، در برخی جاها مؤمنان را با ایجاد رعب در دشمن پیروز گردانیده است.

درباره خصوصیات فردی و سازمانی سردار سلیمانی توضیح دهید.

ویژگی‌های حاج قاسم در سه قالب «فردی»، «مدیریتی» و «کارکردی» قابل بیان است. دنیای غرب و فراماسونری توانسته خود را با قهرمان‌سازی‌های کاذب حفظ کند که با استفاده از ابزار رسانه، هنر، ورزش و جوایز قهرمان‌هایی را که خود می‌خواهد برای مردم الگو شوند، به جهان ارائه کرده است؛ در حالی که در اسلام و در جریان انقلاب اسلامی هم قهرمان‌هایی داریم که در رأس آنها امروز حاج قاسم سلیمانی به عنوان یک چهره جهانی شناخته شد؛ از این رو خصوصیات این قهرمان را به جهانیان معرفی می‌کنیم تا الگوسازی شود و جوانان ما که بعد تاریخی از شخصیت‌هایی مانند مالک اشتر و عباس بن علی(ع) دارند، امروز باور کنند مالک اشترهایی مثل سلیمانی هم در غیاب امام معصوم و پیامبران تربیت شده‌اند.

مهم‌ترین وجه شهادت حاج قاسم سلیمانی

معرفی او به جهان به منزله یک ابرقهرمان بود که موجب شده است تا بسیاری نه در ایران، بلکه در جهان باور کنند اسلام هم قهرمان دارد.

اولین شاخصه فردی شهید سلیمانی خلوص ویژه او بود. او همه چیز را برای خدا انجام داد و خداوند هم پاداش این خالص بودن به او داد.

دومین شاخصه فردی حاج قاسم هم تواضع بود. چه زمانی که فرمانده لشکر شد، چه زمانی که فرمانده قرارگاه جنوب شرق کشور شد و چه مدت مدیدی که فرمانده نیروی قدس سپاه بود و آن همه دستاورد داشت، حاج قاسم همان حاج قاسم خاکی و متواضع بود. سرلشکر شد و بالاترین مدال‌های نظامی تاریخ ایران را گرفت؛ اما همان حاج قاسم روز اول بود. این فرهنگ بسیجی و همان تواضعی است که اسلام از آن یاد می‌کند.

وجه بعدی حاج قاسم سلیمانی، «شجاعت» او بود. در حاج قاسم جبن نبود، از خطر استقبال می‌کرد، به دل خطر می‌زد، تقریباً در همه جبهه‌های درگیری محور مقاومت حاضر بود. همه رزمنده‌ها تقریباً او را در خط مقدم جبهه‌ها دیده‌اند، حضرت آقا هم در نماز جمعه از خاطره حضور این شهید با بالگرد در منطقه محاصره شده سخن گفتند.

این روحیه شهادت‌طلبی انتهای فرآیند ایمان راسخ به معاد است. او از مرگ استقبال می‌کرد به‌خصوص از نوع زیباترین، باارزش‌ترین و فوزعظیم‌ش، یعنی شهادت و همیشه از اینکه در بستر بمیرد پرهیز داشت، انگار که معاد را دیده بود و مشتاق رسیدن به آن مقام بود.

درباره خصوصیات مدیریتی این شهید بزرگوار باید گفت، او از چهار مرحله اول ولایت‌مداری، یعنی یکد فهم درست از ولایت، دو-ولایت‌باوری، سه-ولایت‌باوری و چهار-دفاع از ولایت گذشته بود و به بحث به تحقق رساندن اراده ولی رسیده بود.

مدیریت جهادی دیگر ویژگی این مکتب است. مدیریت جهادی یعنی انسان خودش را وقف کار و تلاش کند و آرام و قرار نداشته باشد و همیشه در حال جهاد باشد؛ حاج قاسم چنین بود؛ هم مدیریت جهادی داشت و هم در جهاد خود با مدیریت و تدبیر بود.

مدیریت بحران توانایی مهم حاج قاسم بود. تخصص علمی در حوزه مدیریت و مدیریت بحران نداشت؛ اما همانطور که از خطر واهمه نداشت و به قلب تهدید می‌زد، متخصص این نوع مدیریت هم بود. شاید خیلی‌ها در شرایط عادی و

آرامش خوب مدیریت کنند، اما حاج قاسم خود را مأمور به امر ولی که می‌دانست در هر شرایطی چه بحران و چه عادی بهترین مدیریت را می‌کرد و این از الطاف الهی بود که اکسیر این موضوع را در وجود او نهاده بود.

در بعد خصوصیات کارکردی و عملکرد این شهید بزرگوار باید به موضوع اعتلای امنیت ایران اشاره کرد. ۳۰ سال تلاش ایشان در فضای منطقه و ۱۰ سال هم فرماندهی در دفاع مقدس برای کشور ما امنیت را به ارمغان آورد. شاید عده‌ای مذاکره و برجام را عامل امنیت امروز معرفی کنند؛ اما در حقیقت کسی که در این زمینه نقش اساسی داشت، در جهت تحقق فرامین رهبری برای ایجاد امنیت در کشور تلاش کرد، شخص حاج قاسم سلیمانی بود. امنیتی که در گرو برقراری امنیت در منطقه و ایجاد توازن و بازدارندگی بود، از ماجرای اخراج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان و جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۵۱ روزه و... تا همین جنگ عراق و افغانستان و جنگ با تکفیر داعشی در عراق و سوریه همگی با هدف آغاز تهدید امنیتی برای ایران رقم خورد؛ اما تدبیر این شهید سبب شد تا عملاً امنیت در کشور برقرار باشد و سرّ داعش خوابانده شود، بر همین اساس یکی از کارکردهای مهم او خواباندن سرّ

شوروت‌ترین دشمن تاریخی ما در منطقه، یعنی داعش بود. شهید سلیمانی و شاگردان مکتب او عامل بازگرداندن امنیت به حرم‌های ائمه(ع) در عراق و سوریه و نیز مانع از سقوط بغداد و دمشق بودند. حتی در ماجرای کودتای ترکیه دولت فعلی این کشور مدیون شخص حاج قاسم سلیمانی است.

شکست طرح تجزیه کشورهای منطقه به ویژه سوریه و عراق که در قالب طرح «خاورمیانه بزرگ» دیده شده بود، محصول تلاش‌های شهید سلیمانی بر اساس تدابیر رهبر معظم انقلاب بود. مردم منطقه همه مدیون حاج قاسم سلیمانی هستند، چراکه او تمام طرح‌های ناامن‌ساز دشمن در منطقه را خنثی و از طرف دیگر محور مقاومت و گروه‌های مقاومت را حفظ و تقویت کرد.

تدابیر رهبر معظم انقلاب و تلاش‌های حاج قاسم سلیمانی و مجموعه نیروی قدس توانست عملاً همه طرح‌های دشمن را خنثی کند و امروز در مسیر تحقق اراده ولی الهی، موضوع اخراج آمریکایی‌ها در منطقه محصول خون پاک این شهید و سایر شهدای مقاومت خواهد شد.

چله عشق

پاداشت اربعین سردار دل‌ها
ضمیمه شماره ۹۲۴ هفته نامه صبح صادق

صداقت

یادداشت

منطق رفتار سیاسی شهید سلیمانی

احد کریم‌خانی

تحلیل‌گر مسائل سیاسی



رفتار سیاسی تعریف خاص و روشنی در ادبیات سیاسی دارد و آن جهت‌گیری‌های هر فرد در رابطه با یک موضوع سیاسی است. این دیدگاه صرفاً مادی و بر اساس منافع شخصی است. در نگاه اسلامی، رفتار سیاسی و جهت‌گیری‌های هر فرد بر اساس اصول و مبانی اسلامی و جهان‌بینی توحیدی تعریف می‌شود. امری که نمود آن در شهید سپهبد سلیمانی کاملاً بارز و قابل لمس بود. این دیدگاه الهی نوعی جهان‌بینی بدیع و نو در عرصه سیاسی است که گزاره‌های گوناگونی را می‌توان برای آن ذکر کرد:

۱ ولایت‌مداری: در این گزاره شهید سلیمانی ولایت فقیه را در امتداد ولایت ائمه می‌دانست و رهنمودهای ولی فقیه را به عنوان چراغ راه آینده قلمداد می‌کرد. شهید سلیمانی شخص و جایگاه ولی فقیه را بالاتر از هر مقام سیاسی و حکمت‌های او را برگرفته از سنت‌های الهی می‌دانست. نظر وی در این زمینه مبتنی و برگرفته از رویکرد جهان‌بینی اوست؛ یعنی دیدگاهی جوهری و معنوی که برخاسته از نگاهی دینی و آرمانی است. در منظومه فکری و سیاسی شهید سلیمانی، رهبری نظام در رأس و در قاعده آن نخبگان و توده مردم حضور دارند؛ این قاعده‌ها باید هم‌سو با رأس حرکت کنند. سردار سلیمانی سه بار قسم جلاله یاد کرد که یکی از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری، میزان اتصال افراد به ولی فقیه جامعه است که اکنون در حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) متجلی است.

۲ انقلابی‌گری: با توجه به فرموده رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) سردار سلیمانی به شدت انقلابی و پایبند به خط توراتی و مبارک امام(ره) بود. می‌توان چند نکته را در رابطه با ویژگی انقلابی ایشان عنوان کرد: مقدم بودن آرمان و مسائل انقلاب بر سایر تئوری‌ها و جریان‌ها؛ روش و سیره ایشان (پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب) در رابطه با مسئله انقلاب و تعمیم آن به مسائل سیاسی؛ توجه به آرمان‌های انقلاب و رسیدن به آن اهداف بلند از طریق ایجاد امید؛ بصیرت بالای ایشان نسبت به توطئه‌های دشمن و مقابله جدی با آنها.

۳ فراجنبانی بودن: این ویژگی شهید سلیمانی محدوده گسترده‌ای از مباحث و موضوعات را شامل می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌توان فرجانبانی بودن ایشان را در نداشتن وابستگی به احزاب و جریان‌های خاص سیاسی در قالب استقلال سیاسی و حمایت از ارکان نظام دانست. شهید سلیمانی خود را متعلق به انقلاب و مردم می‌دانست و همین عاملی بود که ایشان در هیچ دسته‌بندی سیاسی و جریانی قرار نگرفت.

۴ مردم‌داری: این خصوصیت سردار بزرگ اسلام در موارد گوناگونی نمود داشت؛ برای نمونه در کمک به مردم مظلوم منطقه در برابر تروریست‌های وحشی یا در کمک به مردم سیل‌زده خوزستان. البته این شکل از مردم‌داری تنها در ابعاد حمایتی خلاصه نمی‌شود، بلکه ایشان در عملیات‌های گوناگون بارها به نیروهای تحت امر خود گوشزد کرده بود باید با مردم رفتار مناسب داشته باشند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، این شهید عزیز با قائل بودن به حدود شرعی مترصد بود به کسی ظلم و تعدی نشود.

پاسداشت

سردار سلیمانی سیف‌الله بود



محمدآمین مرادی

معاون سیاسی سپاه
خراسان شمالی

سردار حاج قاسم سلیمانی از جمله فرماندهانی بود که در طول زندگی پر برکت خویش - که ۴۰ سال از آن به مجاهدت در میدانی مبارزه با دشمن گذشت - در پرورش شخصیت فردی آنچنان کوشیده بود که در اوج قرار داشت. شخصیتی جامع‌الاطراف به لحاظ پرورش روح با عظمت که رهبر معظم انقلاب فرمودند مقابل روح بزرگ او سر تعظیم فرود می‌آورد در برابر آنچه برای ایران و منطقه در آرزوی او بود و شجاعت و تدبیر این فرمانده دلاور را استودند. این شهید والامقام آنقدر در مسیر بندگی خدا جد و جهد کرده بود که از آبشخور معنویات الهی بهره‌مند بود. وقتی وجوه شخصیتی سردار سلیمانی با آنچه مولای متقیان علی علیه‌السلام در نامه ۳۸ نهج‌البلاغه در وصف مالک اشتر بیان فرمودند مقایسه می‌کنیم؛ پرواضح است که آن صفات در وجود حاج قاسم تبلور یافته است که در ادامه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

الفدبندگی خدا: او بندهای از بندگاران خداست «بعثت الیکم عبد من عباد الله»؛ بنده خدا بودن یکی از نشانه‌های ایمان به خداست که در تمام بخش‌های زندگی فردی و اجتماعی این شهید بزرگوار ایمان به خدا و دستورات او موج می‌زند؛ به گونه‌ای که دل‌ها را تسخیر کرده بود و در میان آحاد مردم ایران و منطقه، اعم از شیعه و سنی و سایر مذاهب تا موافق و غیر موافق در داخل کشور، این ادعا در استقبال تاریخی از پیکر مطهر او و هم‌زمانش ثابت شد.

بید چشم بیدار یا بصیرت: او پیوسته در ایام خطر برای محافظت از اساس دین و انقلاب بیدار بود «لا ینام ایام الخوف...»؛ ۴۰ سال برای اینکه مردم، هموطنانش، جوانان و نوجوانان مرز و بومش آرام و راحت زندگی کنند، زندگی ناآرامی را تجربه کرد. ۴۰ سال برای اینکه جوانان ایران زمین در فضای امن تحصیل کنند، زنان و مردان سرزمینش از زندگی خود لذت ببرند، استقلال کشورش آسیب نیند، اقتصاد کشورش رشد کند، دشمن از چشم طمع داشتن به سرزمینش ناامید شود، علم در دانشگاه‌های مملکتش پله‌های ترقی را طی کند و دانشمندان بی‌روانند، خواب را بر

چشمان خود حرام کرده بود. او هم چشم ظاهری‌اش بیدار بود و هم در حوادث تلخ و شیرین انقلاب بصیرتی قوی و نافذ داشت و هیچ‌گاه دشمن نتوانست از موضع‌گیری‌های ایشان سوء استفاده کند. پیوسته در مسیر حق در اطاعت و فرمانبری از ولی خود نه متقدم بود، نه متاخر، بلکه پیوسته لازم و لاحق بود. **ج- پیش‌نکردن به دشمن:** در سخت‌ترین وضعیت که نفس‌ها در سینه‌ها حبس می‌شد، حرامیان داعشی در ترس و وحشتی که برای مردم منطقه ایجاد کرده بودند، به دل خطر می‌زد «و لا ینکل علی الاعداء ساعات الروع...»؛

د- سوزنده‌تر از آتش بردشمن: دیگر ویژگی ممتاز این بزرگوار «شد علی الفجار من حریق النار...» بود. همان‌گونه که برای دوستان و ستم‌دیدگان و مظلومان و رنج‌کشیدگان سرشار از رحمت و عفو بود، نسبت به دشمنان خدا و ظالمان مانند شعله آتش بود که بر سرشان فرود می‌آمد و می‌سوزاند و خاکسترشان می‌کرد و نمونه بارز آیه شریفه «... اشداء علی الکفار رحماء بینهم...» بود.

با رفتن قاسم سلیمانی، قاسم سلیمانی‌های رشد یافته در مکتب امام و انقلاب این مسیر را پسر رهرو خواهند کرد؛ کما اینکه چهل ساله انقلاب این را به اثبات رسانده و محور مقاومت را در گستره بین‌المللی تعریف خواهد کرد.

مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

حاج قاسم انگوی ناب جوانان است



احسان امیری

خبرنگار

«حجت‌الاسلام علی شیرازی» مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس سپاه است. او اگرچه از سال ۱۳۹۰ در ستاد نیروی قدس سپاه در کنار سردار سلیمانی بوده، اما سابقه ارتباط او با حاج قاسم از استان کرمان و در دفاع مقدس بوده است.

همین امر سبب شده تا زمانی که موضوع انتصاب فرد جدید بر دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس مطرح شود، سه نفر از سوی نماینده وقت ولی‌فقیه در سپاه به حاج قاسم سلیمانی معرفی شوند که ایشان هم آقای شیرازی را انتخاب کردند. نماینده ولی‌فقیه در نیروی قدس از نویسندگان و خاطره‌نگاران فعال پاسدار هم هست و همین امر سبب می‌شود تا ایشان در بیان خاطرات و شرح ارتباط خود با حاج قاسم بسیار روان

سخن بگوید. هفته گذشته در دفتر ایشان حاضر شده و درباره مکتب سلیمانی و شنیدن خاطرات حاج آقای شیرازی از حاج قاسم مصاحبه‌ای را ترتیب دادیم. به قول خود ایشان «دریایی از خاطرات وجود» دارد، اما وسع صفحه و ستون‌های نشریه محدود است و لذا در ادامه بخشی از خاطرات و صحبت‌های نماینده ولی‌فقیه در نیروی قدس را درباره فرمانده شهید این نیرو می‌خوانید.

در کرمان در خانه یکی از شهدای کرمان زمانی یکی از خانواده شهید از آقا خواست تا آقا شفیع محشرشان باشد، فرمودند: «بروید از سردار سلیمانی قول شفاعت بگیرید».

ارتباط آقا با حاج قاسم چطور بود؟
عاشقانه. بارها دیدم که حضرت آقا، حاج قاسم را طور دیگری تحویل می‌گیرد. حتی در جلسه‌ای که یکسری مهمانان خارجی را با حاج قاسم خدمت حضرت آقا بردیم، در حیاط منزل آقا منظر بودیم که ایشان وارد شدند حاج قاسم را در آغوش گرفتند و بعد از کلی تحویل گرفتن حاج قاسم آمدند سراغ مابقی مهمانان. این رفتار آقا یکی دویار نبود. تجلی این ارتباط را در نماز بر پیکر حاج قاسم به خوبی می‌توان دید.

ارادت حاج قاسم به ائمه و شهدا چگونه بود؟

ایشان هر عصر جمعه در منزل جلسه روحیه خانوادگی داشت و برخی دوستان و روحانیون را دعوت می‌کرد تا احکام و مسائل بگویند و بعد هم روضه بخوانند. در هنگام روضه مثل ابر بهاری می‌گریست.

عکس شهدا در منزل و محل کارش مزین بود؛ به ویژه شهدای لشکر ۴۱ ثارالله و شهید یوسف الهی. در مقدمه کتابی که در کنگره شهدای کرمان منتشر شده بود، حاج قاسم می‌گوید: «اگر کسی این کتاب را بخواند و عشقش از عشقش من به یوسف الهی بیشتر شد، من دق می‌کنم. من را کنار این شهید دفن کنید.»

جایی گفتید ایشان حق مأموریت نمی‌گرفت؟

حاج قاسم با اینکه بیشتر از خیلی از نیروهای سپاه مأموریت می‌رفت، هیچ‌وقت حق مأموریت نگرفت. بعد از شهادتش هم مسئول نیروی انسانی نیروی قدس گفت، حاج قاسم حقوق عادی خود را بدون اضافه‌کار و حق مأموریت می‌گرفت. خودش هم به من گفت من برخی مواقع در اداره زندگی می‌مانم. به تازگی که بحث ازدواج پرسش بود، می‌گفت برای هزینه خرید ازدواج پسر (انگشتر و...) مشکل دارم، بعد گفت فعلاً حل شد؛ ولی هزینه مراسم را ندارم. مراسم هم قرار بود فروردین سال بعد باشد.

هزینه‌های حاج قاسم بیشتر هزینه‌های پذیرایی از مهمان‌هایش بود. او خیلی مهمان داشت؛ هم از ایران به ویژه خانواده شهید؛ از جمله شهدای کرمان و مهمان‌های خارجی از مسئولان جبهه مقاومت که خانوادگی به ایران می‌آمدند و حاج قاسم حتماً آنها را به خانه می‌برد.

بعضی‌ها چند متر جلوی خود را هم نمی‌بینند؛ اما او هزاران متر جلوتر از خود را می‌دید، او دنبال این بود که یک حرکت عظیم در جهان انجام شود و سیره امام در دنیا تبیین و با صدور انقلاب به همه جهان، مردم به انقلاب جذب شوند تا به سمت تمدن اسلامی حرکت شود. مکرر می‌گفت ما باید رفتار خودمان را طوری درست کنیم که بتوانیم مردم را به سمت انقلاب بکشانیم و جذب کنیم

او حتی رعایت حال داعشی‌ها را هم می‌کرد و می‌گفت اینها دشمن غافل و جاهل هستند؛ اما استکبار دشمن ریشه‌دار است، مثل نمرد و فرعون. جوانانی را که از روی جهل جذب داعش شده بودند و در محاصره قرار می‌گرفتند، اجازه می‌داد تا راه گریزی برای آنها ایجاد شود و می‌گفت راه را باز کنید تا سلاح‌ها را تحویل دهند و بیابند بیرون، شاید کسی از این جماعت هدایت شود. نمونه‌های هدایت شده این‌طوری هم زیاد است که برخی حتی برای تشییع جنازه حاج قاسم به ایران آمدند. حاج قاسم نگاهش به دشمن و مردم متفاوت بود. مردم را شاید از فرزندان خود هم عزیزتر می‌دانست. ایران و سوریه نداشت و فکر غذا و سلامت مردم بود.

در جلسات نیروی قدس که شاید مأموریت آن چیز دیگری باشد، یکی از هم و غم‌هایش این بود که هر کاری که می‌شود باید برای مردم ایران انجام دهیم تا بر مشکلات و مسائل فائق بیایند.

خانواده حاج قاسم چقدر با ایشان همراهی می‌کردند؟

خانواده ایشان صددرصد همراهشان بود. در جریان جنگ ۳۳ روزه شاید چهل روز در لبنان بود؛ با این حال زمانی که لازم بود به تهران بیاید، آمد و جلسه را در همان فرودگاه برگزار کرد. بسا خانه تماس گرفت و تنها چند دقیقه صحبت کرد و دوباره به لبنان برگشت.

حاج قاسم فرمانده مدافعان حرم هم بود؛ در این باره بفرمایید.

وقتی که شنیدم حرم حضرت زینب(س) در معرض خطر تکفیری‌هاست و زمانی که متوجه شد تروریست‌ها وارد عراق شده‌اند همه وجودش را گذاشت تا تروریست‌ها را عقب براند و در هم بشکند. سردار سلیمانی از سال ۱۳۵۹ که وارد جنگ شد تا لحظه شهادت حتی یک روز هم سلاح را بر زمین نگذاشت و همیشه در میدان جنگ بود. امام خامنه‌ای فرمودند، او شاگرد مکتب امام(ره) است. در واقع مکتب سلیمانی نیز شاخه‌ای از مکتب امام راحل است.

آقا در زمان حیات حاج قاسم در سال ۱۳۸۴

نصیحت‌شان می‌کرد. از کوچک‌ترین چیزی هم غفلت نداشت؛ مثلاً وقتی در جلسه‌ای خانوم یا دختری کمی از موهایش بیرون افتاده بود، روی کاغذ می‌نوشت و بیه او می‌داد تا حجاب‌ها را درست کند. به حجاب بچه‌های خود و بچه‌های شهدا حساسیت داشت. مرام او حرکت در مسیر امر به معروف و نهی از منکر بود.

از پابندی به اصول صحبت کردید، چه خاطره‌ای در این باره دارید؟

اگر کسی نسبت به اصول دهن‌کچی می‌کرد، حتماً با او برخورد می‌کرد. اگر کسی در جلسه‌ای علیه آقا و امام سخن می‌گفت، اصلاً تحمل نمی‌کرد. یک خاطره در این زمینه تعریف کنم؛ حاج قاسم با وجود فشار کاری زیاد خیلی صبر و حوصله داشت. آقای رزم حسینی استاندار خراسان بود. او از زمان جنگ قائم مقام لشکر ثارالله بود. چند ماه قبل از شهادت ایشان دیدم که به ایشان می‌گفت، حاجی حوصله‌ات خیلی زیاد است، خیلی حوصله عجیبی داری. حاج قاسم گفته بود من را ۱۵۰ مادر شهید به اسم هر روز دعا می‌کنند. البته صدها هزار نفر او را دعا می‌کردند و می‌کنند. با این حال کسی که چنین صبر و حوصله‌ای داشت، وقتی می‌دید به ارزش‌ها اهانت می‌شود، سریع برخورد می‌کرد؛ چه در جلسات و چه در جاهای دیگر. خط قرمزش ولایت بود، اجازه نمی‌داد کسی وارد حریم آقا شود و اهانت کند. در یک جلسه دو نفری بودیم، من از حاج قاسم پرسیدم شما نسبت به یکی از مسئولان چقدر ارادت دارید؟ ایشان به من گفت من هیچ کس را با آقا معامله نمی‌کنم، فاصله آن فلان مسئول با آقا از زمین تا آسمان است. من از آقا چیزهایی دیده‌ام که نمی‌توانم پشت سر ایشان حرکت نکنم.

حاج قاسم فدایی ایران بود، یا اسلام؟

خود حاج قاسم چند جا این را پاسخ داده است. در نامه‌ای که سال ۱۳۹۶ نوشته بود. به صراحت اعلام کرد من سرباز صفر دفاع از ملتی هستم که امام فرمودند جانم فدای آنها باد. در وصیتنامه‌اش هم که منتشر خواهد شد، می‌گوید هزاران بار جانم فدای این ملت، ملتی که هزاران بار جانم فدای اسلام گذاشت. در سخنرانی‌هایش می‌گوید من نه به واسطه این و آن جناح، بلکه به واسطه پیروی از ولایت فقیه در کنار کسی که از اسلام و انقلاب دفاع می‌کنم، می‌ایستم. فکر می‌کنم این گفته‌های خود حاج قاسم پاسخ خوبی به این سؤال است.

هدف حاج قاسم از اقداماتش چه بود؟



آینه تمام‌نمای مکتب امام خمینی (ره)

سیاسی و دیپلماتیک او را در جایگاه والایی قرار داده بود، به گونه‌ای که پس از شهادت و تشییع با شکوه و میلیونی پیکر مطهر ایشان، رهبر معظم انقلاب این روز را «ایام‌الله» نامیدند که همه اینها را می‌توان در خالصانه و برای خدا کار کردن ایشان دانست. برای شناخت بیشتر ابعاد شخصیتی این شهید والامقام با «عباس سلیمی نمین» تاریخ‌پژوه و تحلیلگر مسائل سیاسی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

زها ظهورند

خبرنگار



به نظر شما علت محبوبیت شهید حاج قاسم سلیمانی در کشور پیش و پس از شهادت ایشان چه بود؟
این شهید بزرگوار یک شخصیت چند بعدی و چند وجهی داشت؛ ضمن اینکه ایشان یک فرد نظامی و یک سرباز واقعی در سنگرهای دفاعی بود، یک سیاستمدار برجسته نیز به شمار می‌آمد، در عین حال یک عارف، مذهب، عابد و زاهد هم بود. جمع این ابعاد شخصیتی را کمتر در یک انسان دیده‌ایم؛ به همین دلیل واقعاً ایشان در جامعه ما محترم شناخته می‌شد. قبل از شهادت، ایشان در نظر سنجی‌ها بالاترین جایگاه را از نظر محبوبیت داشت؛ اما متأسفانه شاهد آن هستیم که برخی افراد و جریان‌ها می‌خواهند این جایگاه ناشناخته باقی مانده و در گذر زمان مهجور واقع شود.

چرا و با چه هدفی برخی افراد می‌خواهند شخصیت حاج قاسم شناخته نشود؟

شهید بزرگوار ضمن اینکه در دفاع از مبانی قاطع بود؛ اما هرگز از او تندی ندیدیم. این بسیار مهم است که بتوان با قاطعیت از مبانی دفاع کرد؛ اما هرگز دعوا و منشا دعوا نشد. این جمله امام (ره) را که فرمودند «بیشترین دعوای در نفسانیت ریشه دارد» نشانه‌ای است که در شخصیت ایشان مبری از نفسانیت بود. ایشان در دولت‌های مختلف کار کرد که هیچ یک به مأموریت‌های برون‌مرزی اعتقاد نداشتند و حتی به شدت مخالف بودند و ایستادگی می‌کردند.

اما ایشان در برابر برخی از کسانی که این مطلب برای‌شان قابل هضم نبود که ما باید در برابر توطئه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه بایستیم، ایستاد و با وجود این، با همه دولت‌ها از هر طیف کار کرد و نگذاشت اخلاقی در انجام مأموریتش ایجاد شود. سردار سلیمانی توانست در مقام یک سیاستمدار تعامل منطقی در این زمینه به وجود آورد و کار خود را پیش ببرد و درستی مسیر و دیدگاه نظام را ثابت کند. او در این وادی هرگز دنبال مصالح شخصی خود و به دنبال طرح خود نبود.

در زمینه تعامل ایشان با چهره‌های دیگر بیشتر توضیح می‌دهید؟
سردار سلیمانی برای نمونه با آقای روحانی کار می‌کرد؛ اما در عین حال با صراحت مواضع انقلابی خود را بیان می‌کرد و این خطاب را به

صراحت داشت که اگر در این مسیر (حمایت از جریان مقاومت و حضور منطقه‌ای ایران) قرار بگیرید، حاضریم دست شما را ببوسیم. ضمن اینکه سبیل مقاومت و ایستادگی بود، هم در داخل و هم خارج از کشور در برخورد با افرادی که از نظر فکری نظرات دیگری داشتند، انعطاف داشت تا بتواند آنها را به این وادی بکشاند که اگر یک قدم در این زمینه جلو آمدند، تشویق‌شان کند و پشتوانه‌شان باشد تا گام‌های بیشتری در این قضیه بردارند.

شهید سلیمانی در ارتباط با بسیاری از دعوایی که ما در داخل داریم، مقداری متفاوت بود؛ چرا که هوای نفس را در خود کنترل کرده بود و این طور نبود که صرفاً چون خود را در موضع حق می‌دید، هر برخوردی را با دیگران جایز بداند و در واقع منافع ملی را در نظر می‌گرفت. شیوه‌ای که ایشان در متنبه کردن دیگران به کار می‌گرفت، خیلی با شیوه برخی از ما فرق می‌کرد که فقط دیگران را در آن وادی محکوم می‌کنیم و در واقع آنها را در آن وادی زمین‌گیر می‌کنیم. شیوه اصلاح‌گری شهید بسیار محبت‌آمیز بود ضمن اینکه در مدیریت بسیار قاطع و جدی بود؛ اما در ارتباط با دیدگاه‌های مختلف بسیار منعطف بود که این خصوصیات در شخصیت‌هایی وجود دارد که ابعاد وجودی گوناگون دارند.

جایگاه ایشان در سطح بین‌المللی چگونه بود؟
این شهید بزرگوار در سطح بین‌الملل جایگاهی پیدا کرده و توانسته بود حتی نیروهای روسیه را وارد عرصه مقاومت کند، یعنی در خدمت مقاومت قرار دهد. این مسئله یک تدبیر کلان می‌خواست تا بتوان دولت روسیه و در رأس آن پوتین را قانع کند که ورود به این عرصه می‌تواند هم برایش کم‌هزینه باشد و هم دستاوردهای قابل توجهی رقم بزند. این قانع کردن، یعنی اینکه زبان دیپلماسی را بلد بودن و به آن مسلح بودن که به نظر بنده یکی از توانمندی‌های قابل توجه این شهید بود.

با توجه به این صحبت‌ها، شما عملکرد سردار سلیمانی را در تعامل با کشورهای محور مقاومت از منظر دیپلماتیک چگونه ارزیابی و تحلیل می‌کنید؟
سردار این موضوع را به طور کامل پذیرفته بود که باید روی اشتراکات کار و توجه کرد؛ البته طبیعتاً ایشان در عراق، لبنان و سوریه

ابعاد شخصیت سردار سلیمانی
در گفت‌وگوی صبح صادق با عباس سلیمی نمین

۵
چله عشق

پاداشت اربعین سردار دل‌ها
ضمیمه شماره ۹۲۴ هفته نامه صبح صادق

صبح صادق

یادداشت

شهادت رمز تداوم مبارزه

روح‌الله قاسمی

کارشناس تاریخ انقلاب اسلامی

به گواهی تاریخ شهادت مردان بزرگ تأثیری شگرف در ادامه راه حق‌طلبی دارد و سبب می‌شود خون تازه‌ای در رگ‌های مبارزات حق‌طلبی جریان یابد. نمونه واقعی آن شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) و یارانش بود که چهره پلید حکومت اموی را بر همگان آشکار کرد. گمان حکومت غاصب بنی‌امیه این بود که با به شهادت رساندن اسام و یاران باوفایش نهضت آنان برای همیشه خاموش می‌شود؛ اما غافل از آنکه شهادت آن امام مظلوم سرازیر حرکت‌ها و قیام‌های عظیمی در جهان اسلام شد که تا امروز ادامه دارد و هیچ وقت خاموش نشده است. پیروان واقعی مکتب عاشورا پس از واقعه کربلا راه حضرت را ادامه دادند که نمونه واقعی آن «حاج قاسم سلیمانی» بود.

سردار بزرگی که به تاسی از امام‌شهدیدان از ابتدای انقلاب اسلامی علم مبارزه با ظلم و ستیز را برداشت و ۴۰ سال از عمر خویش را صرف مجاهدت در راه خدا کرد. او نمونه کامل مجاهد فی سبیل‌الله بود که در دوران جنگ تحمیلی و بعد از آن در بلاد اسلامی حماسه‌ها آفرید و دوست و دشمن را به اعتراف و ادائت که نمونه عینی آن پایان دادن به حکومت داعش در منطقه بود. حاج قاسم همچنین سد محکمی در برابر خواسته‌ها و جنگ‌طلبی‌های جبهه استکبار در منطقه به شمار می‌رفت؛ از این رو این امر بر استکبار گران آمد و در یک تصمیم غلط استراتژیکی کمر به ترور وی گرفت و عاقبت الامر در شامگاه جمعه ۱۳ دی ماه به دست شقی‌ترین افراد بشر به شهادت رسید. خبر شهادت این سردار بزرگ موجی از نگرانی را در دل مردم به ویژه نیروهای مؤمن انقلابی ایجاد کرد. عمده نگرانی‌ها از این بابت بود که جبهه مقاومت بعد از شهادت حاج قاسم چگونه راه ایشان را ادامه می‌دهد که حوادث بعد از شهادت ایشان گویای چند مطلب به شرح زیر است:

۱ خروش ملت ایران و عراق در بدرقه سردار سلیمانی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب خلق بزرگ‌ترین تشییع جنازه تاریخ.

۲ چهره پلید و خونخوار آمریکایی‌ها بیش از پیش بر همگان هویدا شد؛ زیرا دولتی که خود را منادی مبارزه با تروریست می‌خواند، دست پلید خود را به خون کسانی آغشته کرد که سال‌ها در سنگر مبارزه با تروریسم و داعش مجاهدت کردند.

۳ هدف استکبار از ترور حاج قاسم سلیمانی ایجاد شکاف در جبهه مقاومت بود؛ اما آنچه به برکت خون این شهدای عزیز حاصل شد، انسجام گسترده در جبهه مقاومت است و می‌رود برای آینده‌ای نه چندان دور بساط آنان از منطقه جمع شود. حال می‌توان به درستی دریافت با شهادت حاج قاسم سلیمانی و هم‌زمانش فریاد یا «لنارات القاسم» از فرزندان عاشورایی جبهه مقاومت شنیده می‌شود که در تدارک اخراج کامل یزیدیان زمان از منطقه هستند. همان وعده‌ای که خداوند در قرآن به آن اشاره فرمودند: «و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف در آن سرزمین منت گذارده و آنان را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه گردانیم.» (قصص/۵)

همه تعامل داشته باشد و آنها را قانع کند که اتخاذ برخی مواضع، علیه مصالح‌شان است و قرار گرفتن در مسیر مقاومت این سعادت و شانسیت آنها را تأمین و تضمین می‌کند که به نظر بنده خیلی دشوار است کسانی را که با مقاومت خیلی آشنایی ندارند، قانع کند که مقاومت، منافع دنیوی و اخروی شما را تأمین خواهد کرد که همه اینها از جهات مختلف از شان و شخصیت والای این شهید گواهی می‌دهد.

آنچه رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه تحت عنوان «مکتب سلیمانی» از آن نام بردند، شامل چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی می‌شود؟

به طور مسلم شهید سلیمانی یکی از درس‌آموختگان مکتب امام (ره) است؛ یعنی به قدری ایشان نمونه بارز این مکتب است که می‌تواند آن را نمایندگی کند. به عبارتی شهید سلیمانی آینه تمام‌نمای مکتبی است که امام (ره) در این کشور بنیان گذاشتند. رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند برخی شجاعت دارند اما تدبیر ندارند و برخی نسبت به مبانی حساسیت دارند؛ اما کمالات لازم را برای پیشبرد آن مبانی ندارند. کمالات یعنی برخوردار بودن از توانمندی‌های مختلف برای اینکه در خدمت آن مبانی قرار دهند.

شهید سلیمانی همانند امام (ره) و رهبر معظم انقلاب خصوصیات مختلفی در این وادی داشت؛ از این رو می‌توانیم بگوییم آینه تمام‌نمای مکتب امام (ره) و مکتبی است که رهبری آن را ترویج می‌کنند و سعی در تقویت آن در جامعه دارند. بنده قطعاً شهید را شخصیتی می‌بینم که شما می‌توانید از طریق ایشان با مکتب امام (ره) و رهبری آشنا شوید، یعنی وقتی در احوالات اسام (ره) و رهبری نگاه می‌کنید، خیلی با آن بزرگواران منطبق است. زهد و دقت در مسائل مختلف، توجه و صداقت با مردم، پابندی به مصالح عمومی، خود را ندیدن و خود را فدای مردم و ارزش‌ها کردن، همه مواردی است که در اوج خود به عنوان نمونه در مکتب امام (ره) می‌درخشند.

طبیعتاً شما می‌توانید از طریق شهید سلیمانی به مکتب امام (ره) نزدیک شوید، یعنی ایشان به گونه‌ای تبلور این مکتب می‌شود و یک نمونه و شاخصی از این مکتب می‌شود که می‌توانید به سهولت از طریق ایشان با مکتب امام (ره) آشنا شوید و همه‌جانبه‌نگری را در او دریابید.

با نیروهای متعددی مواجه بود. ایشان در کشورهای مختلف با افرادی که سلاطین متفاوت و گرایش‌های گوناگونی داشتند، تعامل داشت. این نکته بسیار مهم است که یک شخصیتی سعه صدر بالایی داشته باشد و بتواند روی کمترین اشتراکات ایستادگی کند. در عراق شخصیت‌هایی داریم که متأثر از کانون‌های قدرت متفاوتی هستند یا در لبنان نیز به همین صورت است. اینکه شخصیتی مانند حاج قاسم بتواند حتی در منطقه اقلیم کردستان تأثیرگذار باشد و آنها را ذیل برخی منافع مشترک جمع کند، خیلی بلند نظری می‌خواهد در مقایسه با افرادی که اگر کمترین اختلافی پیدا کنند، به هیچ وجه نمی‌توانند حول یک موضوع با هم کار کنند و کافی است یک اختلاف و دیدگاه متفاوتی بروز کند و همه اشتراکات را کنار بگذارند و نظر متفاوت حول آن موضوع سبب شود هیچ همکاری و کار مشترکی انجام نشود.

شهید سلیمانی با نیروهای بسیار متنوع و با خاستگاه‌های بسیار گوناگون کار کرد و کار را پیش برد و توانست دشمن را زمین‌گیر کند که این یعنی تعامل بالا داشتن و قدرت تحمل دیدگاه‌های مختلف و شکیبایی به خرج دادن در این راه.

به نظر بنده این موارد نکاتی است که باید دیده شود؛ چرا که بسیاری از مشکلات امروز ما در جامعه همین کم‌تحمیلی‌ها، بی‌توجهی به اشتراکات و بزرگ‌نمایی افتراقات است. ما با خیلی‌ها اشتراک‌های بسیاری داریم؛ اما به قدری افتراقات را بزرگ می‌کنیم که اصلاً نمی‌توانیم روی اشتراکات کار کنیم.

در حالی که بارها رهبر معظم انقلاب حتی درباره انتخابات تأکید کرده‌اند که همه افراد برای ایران و وطن بیایند رأی دهند؛ یعنی روی اشتراکات آنقدر توجه دارند، اما عملکرد برخی از ما به هیچ وجه با رهبری سنخیت ندارد؛ ولی عملکرد شهید سلیمانی قطعاً با رهبر معظم انقلاب سنخیت داشت، یعنی در واقع الهام گرفته و الگویی عملی این قضیه بود، چرا که خیلی مهم است. شاید ما در بیان خود بگوییم این حرف‌ها را قبول داریم؛ اما در عمل هرگز این سعه صدر و قدرت تحمل را نداشته باشیم، بنابراین ایشان ضمن اینکه یک دیپلمات بود، اما به شدت به ارزش‌ها نیز پایبند بود، به عبارتی هرگز در ارتباط با تعاملات خود با دیگران، از خاستگاه و نگرش خود که نگرش منبعث از مکتب اسلام و امام (ره) بود، کوتاه نیامد.

اما در عین حال این قدرت را داشت که با

یادداشت

مکتب سلیمانی
مکتب مقاومت

ابراهیم رستمی

کارشناس سیاسی



پژوهشگر برجسته حوزه ایران در دانشگاه‌های آمریکا با اعلام اینکه «با ترور قاسم سلیمانی احیای داعش در عراق و به خصوص در شمال آن کشور و در موصل امکان‌پذیر شده است» بر نقش سردار سلیمانی در مبارزه با تروریسم تأکید می‌کند. در واقع، وقتی آمریکا به زعم خود اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در منطقه را رقم زد و در این راستا به ایجاد گروه‌های تروریستی، مانند داعش در عراق و سوریه روی آورد، این شهید سلیمانی بود که برای حفظ تمامیت ارضی این کشورها و مقابله با تروریسم وارد عمل شد و مانع رسیدن آنها به اهدافشان شد.

سردار سلیمانی مبدع هم‌کاری گروه‌های مقاومت در مبارزه با تروریسم بود و گروه‌های مقاومت را به جریان مقاومت، در نهایت به اتحاد مقاومت تبدیل کرد. با توجه به نقش تعیین‌کننده سردار سلیمانی، اقدام ناجوانمردانه و بزدلانه آمریکا در ترور این شخصیت بزرگ با این هدف انجام گرفت که تغییری در سیاست منطقه‌ای ایران ایجاد نشود. اما سردار سلیمانی یک مقام نظامی و سیاسی عادی نبود، بلکه یاور و محبوب مظلومان منطقه، مردم ایران و بسیاری از شهروندان کشورهای غرب آسیا بود و مردم ایران و کشورهای حوزه مقاومت از حضور سردار سلیمانی احساس امنیت و آرامش می‌کردند و نام سردار برای ملت ایران و ملت‌های مظلوم منطقه معادل آرامش، امنیت و ثبات بود؛ از این رو تفکر و راهی که او طی سال‌های گذشته ایجاد کرد پایان نخواهد یافت و مجاهدانی که در همه محورهای مقاومت در سالیان گذشته تربیت کرده است، بدون حضور فیزیکی و ظاهری او نیز به این راه ادامه خواهند داد.

مکتبی که او پایه‌گذاری کرده است اراده رزمندگان مقاومت را در ادامه مسیرش صد چندان کرده است. از این رو شهادت سردار سلیمانی نه تنها تأثیر منفی بر انگیزه و اقتدار محور مقاومت بر جانی گذارد، بلکه این جریان را با انگیزه مضاعف به سمت اهداف مقدس ایشان هدایت خواهد کرد. برکت خون شهید فراتر از معیارهای مادی است و امروز در ایران ارزش‌های بزرگی، چون جهاد، خدمت به مردم، تعهد به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه حول محور شخصیت سردار سلیمانی تثبیت شده است. در کشورهای منطقه، همچون عراق نیز بعد از حمله آمریکا به گردان‌های حزب‌الله و شهادت سرداران مقاومت شاهد به آتش کشیده شدن سفارت آمریکا و تصویب قانون اخراج آمریکایی‌ها در مجلس و تظاهرات میلیونی مردم عراق علیه اشغالگری آمریکا بوده‌ایم، و در مجموع این تفکر دشمن که ترور سردار سلیمانی موجب عقب‌نشینی محور مقاومت خواهد شد، رؤیایی بیش نبوده است.

همچنین حضور باشکوه مردم ایران و عراق در تشییع سرداران شهید مقاومت، به ویژه سردار سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس که بنا بر فرمایش رهبر معظم انقلاب «این حضور باشکوه سوخت مویشک‌های ما بود»، به مثابه مهر تأیید و حمایت قاطع از مقاومت بود. حمایتی که پیش از این هرگز چنین آشکارا ابراز نشده بود و بسبب خواهد شد مقاومت اسلامی در منطقه با روحیه و انگیزه‌ای قوی‌تر و عزیمی راسخ‌تر به نقش‌آفرینی‌های خود ادامه دهد و به پیروزی نهایی دست یابد.

پای حرف‌های تعدادی از همسران شهدای مدافع حرم

بچه‌های شهدا دوباره یتیم شدند

سیدمحمد مشکوة

خبرنگار

وصف حاج قاسم سلیمانی را فقط باید از فرزندان و خانواده‌های شهدا شنید و بس، کسانی که با گوشت و پوست‌شان سختی‌های جنگ را چشیدند و سرانجام هم به

روپوسی کرد، سردار پرسیدند: «پسر کدام شهیدی؟» حسین گفت: «حسین، پسر شهید سعید انصاری هستم.» سردار پرسیدند: «پسرم، چند سالته؟» حسین گفت: «ده سال.» سردار دوباره پیشانی پسر را بویدند و گفتند: «شهید انصاری خیلی باهوش و باذکوت بود، شجاعت زیادی داشت.» و خطاب به حسین گفتند: «چقدر شبیه پدرت هستی!» حسین کنار سردار نشست و من و زینب، دخترم هم روبه‌روی سردار نشستیم. سردار کمی هم با زینب صحبت کرد، بعد زینب پرسید: «سردار، پیکر بابامون کی برمی‌گرده؟ اصلاً پیکری داره؟ راستش روبه ما بگید.» سردار در حالی که چشمان‌شان پر از اشک شده بود، بغض‌شان را فرو خوردند و گفتند: «به شما قول می‌دم که ان‌شاءالله پیکر باباتون رو هر طوری شده برگردونیم.» زینب و حسین گفتند: «سردار مطمئنید؟ ما خیال‌مون راحت باشه که پیکر بابامون برمی‌گرده؟» سردار در حالی که روی شانه حسین می‌زدند گفتند: «حسین جان، تو بعد از بابات مرد خون‌تون هستی؛ اما خیالت راحت، ان‌شاءالله پیکر بابات به همین زودی‌ها برمی‌گرده.» حسین چقیه‌ای روی دوشش بود که عکس همسرش روی آن بود. سردار سلیمانی دستی روی عکس شهید انصاری کشیدند و گفتند: «خوشابه حال‌شون که با شهادت رفتند. ان‌شاءالله ما هم بتونیم ادامه‌دهنده راه شهدا باشیم.»

سردار دست نوازشی به سر حسین کشیدند، و او را بویدند و خطاب به بنده گفتند: «خدا بهتون صبر بده، ان‌شاءالله بچه‌ها را طوری تربیت کنید که وقتی صحبت‌ها تمام شد، بدمان نمی‌آمد از کنار میز سردار بلند شویم و خداحافظی کنیم.»

انگار بچه‌ها پدرشان را دیده‌اند

خانم انجین، همسر شهید مدافع حرم «محمد مسرور» می‌گوید: پاییز سال گذشته به همراه همه خانواده‌های شهدای مدافع حرم کشور و تعدادی از خانواده‌های شهدای دفاع مقدس و امنیت با حضرت آقا‌یدار داشتیم. در هتل محل اقامت برنامه‌های تدارک دیده بودند. من هم همراه پدر و مادر همسرم و همسر شهید توفیقی سر یک میز، جلوی سالن و نزدیک در نشسته بودیم. بنده مسرور یابین بود. یک لحظه دیدم همسر شهید توفیقی با هیجان بلند شد و گفت: «وای!» مسرور را بلند کردم و دیدم سردار بدون هیچ هیبت همراهی، با لباس شخصی و ساده، با چهره‌ای نورانی و مهربان، در اوج فروتنی و در عین حال پزوهت، در چند قدمی ما با یک آقای جوان ایستاده‌اند. همه مبهور شده بودند و هیچ‌کس از آمدن سردار خیر نداشت. همین‌که خانواده‌ها سردار را دیدند، در چند ثانیه اطراف سردار را پر کردند، خانواده‌ها دوش را گرفته بودند، شاید حدود ۴۵ دقیقه یا بیشتر وضعیت به همین گونه بود. هر چه مسئولان اصرار می‌کردند بنشینند، خود سردار سرس میزهای‌تان می‌آیند، هیچ‌کس دلش نمی‌آمد از سردار جدا شود. فرزندان شهدا انگار پدرشان را دیده بودند، از او دل نمی‌کنند. شاید هر کس جای سردار بود از فشار جمعیت و این اوضاع خسته می‌شد و حداقل درخواست می‌کرد می‌کشید و هیچ‌گونه اعتراضی نمی‌کرد. بالاخره با هزار زحمت چند نفر از آقایان مسئول دور سردار را گرفتند تا ایشان به جایگاه سخنرانی بروند. سردار بسم‌الله گفتند و بین سخنانشان از نحوه انتخاب عنوان مدافعان حرم برای رزمندگان اسلام در سوریه صحبت کردند.

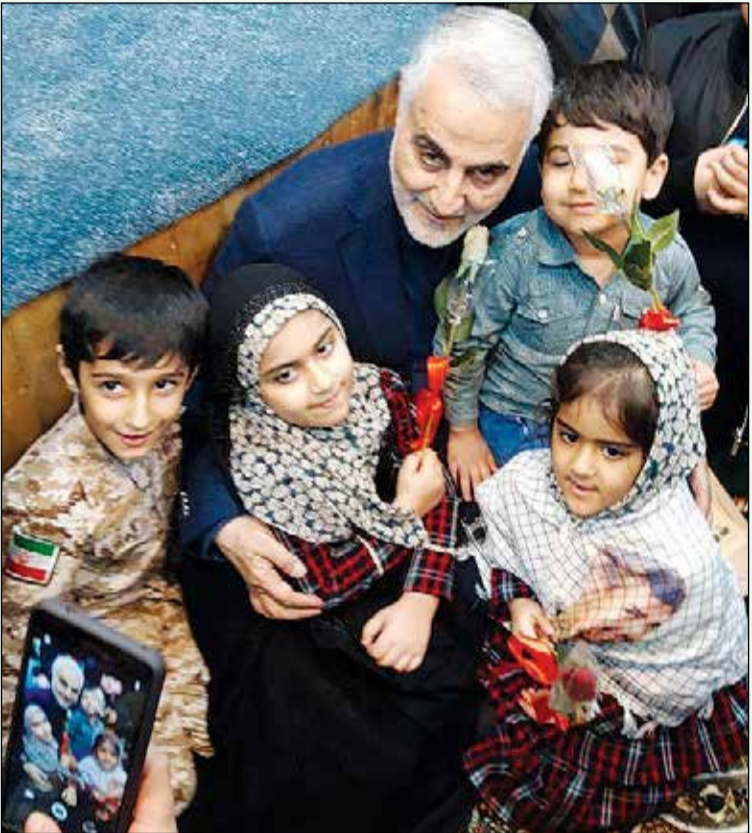
کاش امیرعلی هم بود

خانم کمالیان، همسر شهید مدافع حرم «علی اصغر شیردل» می‌گوید: برای مراسم دعوت شدیم و چون امیرعلی کسالت داشت، او را با خودم نبردم. وقتی رسیدم، طبق معمول مراسم با قرآن و خیر مقدم آغاز شد. ناگهان دیدیم سردار سلیمانی وارد مجلس

درد فراق عزیزان‌شان مبتلا شدند. آنها هستند که فرق محبت واقعی و ظاهری را می‌فهمند، آنها هستند که محبت پدرانه سردار دل‌ها را با تمام وجود درک کردند و از داشتن چنین فرمانده دلسوزی به خود بالیدند؛ فرمانده‌ای که با وجود تمامی دغدغه‌ها و مشغله‌های کاری، لحظه‌ای از فرزندان و خانواده‌های شهدا غافل نشد و آنان را همچون خانواده خود

حمایت کرد.

محبت سردار سلیمانی به این خانواده‌ها به حدی بود که با شهادتش بار دیگر داغ و جراحات این عزیزان تازه شد. آنها که پدری مهربان و دلسوز را از دست دادند، سخنان نگفته بسیاری از شهید سپهد سلیمانی در دل دارند که در این مجال قظره‌ای از این دریا را روایت می‌کنیم.



در وجودشان نبود، سفیدی و پکی بود که خدا به سبب خلوص نیت در وجود ایشان قرار داده بود. وقتی ما ایشان را ملاقات کردیم، ایشان به حدی تواضع داشت که انگار یکی از دوستان صمیمی آقا رضا را می‌بینیم، انگار نه انگار که ایشان یک شخصیت بزرگ نظامی هستند. با رفتن ایشان زخم شهادت عزیزان‌مان تازه شد و نمک به زخم‌مان خورد.

هدیه‌ای برای محمد

خانم حمیدی‌نامدار، همسر شهید مدافع حرم «محسن قانونی» می‌گوید: پسر محمد ارتباط خیلی نزدیکی با شهید سلیمانی داشت. ایشان به محمد می‌گفتند: «شما بعد از پدرتان باید میدان‌دار این جنگ باشید و بعد از او باید مراقب مادر و خواهران‌تان باشید. جایگاه پدر شما خیلی بالاست و شما هم بعد از پدرتان می‌توانید سربازان خوبی باشید.»

یک انگشتر هم به محمد داده بودند. قضیه از این قرار بود که با بچه‌ها شوخی کرده بودند و محمد هم گفته بود: «خب حاج‌آقا، هر کس برنده شد چی بهش می‌دید؟» حاج‌آقا هم گفته بود: «انگشترم رو می‌دم.» در آخر هم انگشتر نصیب محمد شده بود. دقیقاً شبیه همان انگشتری بود که در زمان شهادت در دست سردار بود.

کلام آخر

فرزندان شهدای مقاومت از سردار دل‌آور ایران زمین پندها گرفته و محبت او را درک کرده بودند. سردار شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی الگویی بی‌نظیر برای تمام دوران است که ندای آزادی‌خواهی او بر جان همه آزادی‌خواهان جهان به نیکی نیست. به راستی سردار شهید ما، حاج‌قاسم سلیمانی فرزند خلف امام راحل، رهبر معظم انقلاب و سالار شهدای مقاومت است که توانست پیام برحق مسلمانی و آزادی انقلاب اسلامی را به جهان مخابره کند. امروز که می‌بینیم در سرتاسر جهان سردار سپهد حاج‌قاسم سلیمانی دوستداران بسیاری دارد، به این دلیل است که او جز کلام حق سخن نگفت و با الگوگیری از امام علی(ع) به عدالت و آزادی انسان‌ها اعتقادی راسخ داشت و برای نجات مظلومان و ستم‌دیدگان عالم چون شیری دلیر در برابر استکبار و ظالمان عالم قیام کرد. علت فراوانی دوستداران این سردار شهید شرافت و محبتی است که بذراش در دل همگان کاشته است. روحش شاد، یادش گرامی و راهش پر رهرو باد، ان‌شاءالله.

شد. همه تعجب کردیم، اصلاً انتظارش را نداشتیم. من فقط داشتم غصه می‌خوردم چرا امیرعلی را نیاردم. بچه‌های شهدا دور سردار را گرفته بودند و هر کس با خوشحالی مطعی می‌گفت و من با حسرت بچه‌ها را نگاه می‌کردم و می‌گفتم کاشکی امیرعلی هم بود. از سردار دعوت کردند برای سخنرانی به جایگاه بروند. ایشان سخنانی درباره مسائل منطقه و عکس یادگاری گرفتند. سردار با تک‌تک خانواده‌ها صحبت کردند. نوبت به من که رسید، هر چه خواستم حرفی بزنم، نتوانستم. با خودم گفتم خود سردار به اندازه کافی درگیر هستند، من چه بگویم؟ بیشتر ناراحت‌شان می‌کنم. فقط خودم را معرفی کردم و گفتم همسرم کجا شهید شده است.

موقع رفتن سردار به ایشان نگاه می‌کردم و مدام به این فکر می‌کردم چگونه ممکن است انسانی به این درجه از تقوا و شجاعت برسد. اما نتوانستم این را از خودشان بپرسم.

داستان انگشتر حاج قاسم

خانم عادل، خواهر شهید مدافع حرم «رضا عادل» می‌گوید: داداش رضای ما همیشه می‌گفت خدایا، از عمر من بگیر، ولی به عمر رهبرم و حاج‌قاسم اضافه کن. وقتی از حاج‌قاسم صحبت می‌کرد حس غرور و افتخار داشت. خیلی دنبال حاج‌قاسم عزیزمان گشت، مثل یک عاشق که دنبال معشوق است از عراق تا سوریه رفت؛ اما موفق نشد حاجی را ببیند. حتی یک روز قبل از شهادت رفت و دوباره تمام گردان‌ها را گشت، شاید آمده باشد؛ ولی حاجی نیامده بود.

ساعتی قبل از شهادتش به هم‌رزمش می‌گوید: «اگر من شهید شدم و حاج‌قاسم رو دیدید، سلام من را بهشون برسونید، بگید خیلی دنبال انگشتر شما بودم، انگشتر رو واسه خانواده‌ام بفرستید.»

دوستان رضا هم وقتی حاج‌قاسم را می‌بینند قضیه را برای ایشان تعریف می‌کنند و حاج‌قاسم هم انگشتر را همراه یک نامه به سردار گرجی‌زاده می‌دهند که برای ما بیاورند. این بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین هدیه‌ای بود که ما دریافت کردیم.

غرور و منیت در وجودش نبود

خانم فتحی، همسر شهید مدافع حرم «محمد رضا الوانی» می‌گوید: آنچه ما از سردار دل‌ها دیدیم همه رفتار متواضعانه، خلوص نیت، آزادمشی و بزرگ‌مردی بود. ایشان انسانی بودند که غرور و منیت

مبهوت نماز شب‌های حاجی می‌شدم

واگویی‌هایی از بیش از سه دهه همراهی با حاج قاسم سلیمانی

حسن ابراهیمی

خبرنگار

همه هم و غمش این بود حالا که اینجا آمده تا از حاج قاسم سخن بگوید، بتواند به کمک خداوند در حد و اندازه عظمت حاج قاسم صحبت کند. با همان لهجه کرمانی می‌گوید روستای ما

قاسم وقتی در تهران بود، روزی چندین جا جلسه می‌رفت، از وزارت امور خارجه و ستاد کل سپاه گرفته تا دفتر رهبری و... همه جا به موقع می‌رفت؛ به استان‌ها سفر داشت. در کرمان که کارش بیشتر از همه جا بود. بازدید خانواده شهدای لشکر و شهدای مدافع حرم از مهم‌ترین برنامه‌های سردار بود. جلسه با فرمانده گردان‌ها و نیروهای لشکر در دفاع مقدس، جلسه کنگره شهدای کرمان و هزاران کار دیگر هم داشت؛ اصلاً خستگی برایش معنا نداشت. این در حالی بود که تمام بدن حاجی جای تیر و ترکش بود.

«ولایت‌مداری» مشخصه مهم حاج قاسم سلیمانی است؛ می‌خواهم در این باره برای‌مان توضیح دهید.

حاج قاسم ارادت خاصی به حضرت زهر(س) داشت. به سادات خیلی احترام می‌گذاشت؛ چون فرزندان حضرت زهر(س) هستند. ولایت‌مداری حاج قاسم از تبعیت از پیامبر(ص) شروع می‌شد تا تبعیت از ائمه و حضرت زهر(س) و بعد تبعیت از ولی فقیه. آقا و امام خمینی(ره) را خیلی قبول داشت. قسم جلاله می‌خورد که امام خاتمه‌ای در هیچ جای جهان نمونه ندارد. اعتقاد داشت آقا به بالا وصل است. می‌گفت من این را درک کردم. شما این ارادت حاجی را زمانی که ملاقات حضوری با آقا داشت، ببینید. همیشه سر پایین و از سر ارادت ویژه خدمت آقا می‌رسید، آقا هم خیلی حاج قاسم را دوست داشت. مثلاً وقتی آقا حاج قاسم را می‌بوسید، حاج قاسم در برابر آقا متواضع‌تر می‌شد. مرید خاص آقا بود. در ولایت‌مداری واقعاً در خط حضرت زهر(س) فدایی ولایت بود. حرف از دهان آقا خارج نشده، به دنبال انجامش بود و به محض اینکه آقا می‌گفت فلان کار بشود، حاج قاسم تمام وجودش را برای تحقق همان حرف آقا می‌گذاشت.

از روحیات معنوی حاج قاسم بگویید.

حاج قاسم حضرت زهرایی بود. خیلی جاها در جنگ و بعد از جنگ با توسل به حضرت زهر(س) مشکلات را حل می‌کرد. یک فاطمیه هم در روستای خود در کرمان ساختند که در آن مراسم می‌گیرند. از همه اینها بگذریم، باید به نماز شب‌های حاجی اشاره کنم. هر شب نماز شب می‌خواند، آن هم با ناله و گریه و نجوا. من خودم شاهدیم؛ چون در همه مأموریت‌ها من با حاجی بودم. اگر خیلی خسته هم بود باز یک ساعت می‌خوابید، بیدار می‌شد و بعد شروع می‌کرد به نماز. واقعاً این صحنه عشق بازی و نجواهای حاجی در نماز شب‌هایش تماشایی بود. ما هم که می‌خواستیم نماز بخوانیم در مواجهه با این حال حاجی از خود بی‌خود می‌شدیم و دیگر نمی‌توانستیم نماز بخوانیم، فقط مبهوت حاجی بودیم. باید در آن صحنه باشید تا متوجه حرف من بشوید.

حاج قاسم ۴۰ سال هر روز در میدان نظامی و امنیتی مبارزه کرد، درباره روحیات دیگر حاجی هم بگویید.

یکی از روحیاتی که حاج قاسم داشت، این بود که هر موقع تهران می‌رسید و وارد خانه می‌شد و فرصتی داشت، به باغچه کوچک خانهاش می‌رسید. من هم بعضی وقت‌ها در کار باغچه به حاجی کمک می‌کردم. از طرفی مهمان‌نواز هم بود.

با روستای حاج قاسم یک کیلومتر فاصله دارد. در دوران جنگ با حاج قاسم مانوس شدم گاهی وقت‌ها هم راننده حاجی بودم. در عملیات والفجر ۸ حاجی به من مسئولیت داد که باید با کمپرسی‌ها کار کرده و آنها را مدیریت کنم، خودم رانندگی کمپرسی را در مرحله نهایی انجام می‌دادم که یک دفعه دیدم حاج قاسم هم کنارم هست و دارد کمک و نظارت می‌کند. بعد از پایان

خیلی‌ها به منزل ایشان رفت‌وآمد می‌کردند.

گفتید که با حاج قاسم هم رفت و آمد خانوادگی داشتید؛ از فرزندان حاج قاسم بگویید.

همه فرزندان حاجی را از کودکی می‌شناسم. به من عمو می‌گویند. بچه‌های حاجی یکی از یکی گل‌ترند. هیچ‌گاه از مقام پدر سوءاستفاده نکردند. در این مدتی که من در خدمت حاجی و خانواده بودم و با هم رفت‌وآمد داشتیم و من بعضاً در منزل حاجی رفت و آمد می‌کردم، می‌دیدم که چقدر به رعایت حجاب اهمیت می‌دهند.

یکی از دلایلی که حاج قاسم حاج قاسم شد، همسر ایشان بود. واقعاً حاجی را همراهی کرد.

تا جایی که به نظر می‌آید و همسر هم تصدیق می‌کند، همسر حاج قاسم هیچ‌گاه از او گله نکرد که الآن موقع کار نیست به خانواده برسید. علت موفقیت حاجی واقعاً همسرش بود. من هم که توانستم با حاجی همراه باشم، به خاطر همراهی همسر بود. همسر وقتی یکی از بچه‌های حاجی یا خود حاجی زنگ می‌زد و کارم داشت، به من می‌گفت اینقدر کند نباش، سریع لباس بپوش برو. او تازه مرا تشویق و بدرقه هم می‌کرد. زمان جنگ حاجی خیلی خانه نبود. زمان قرارگاه قدس هم همین‌طور. در نیروی قدس که همیشه در سفر بود. جایی یادم هست که یکی از پسرهای حاج قاسم بیمار شد و حاجی در مأموریت قرارگاه قدس بود، نتوانست بالای سر پسرش باشد و پسرش هم در اثر بیماری در بیمارستان فوت شد. حتی حاجی بالای سر پدر و مادرش هم در زمانی که در بستر بودند، نتوانست برسد و بعد از فوت آنها رسید. بچه‌هایش خیلی عالی هستند. هم دخترها و هم پسرها.

چرا در میان بچه‌ها بیشتر از همه زینب خانم در صحنه و رسانه‌ها فعال هستند؟

زینب حاج قاسم شبیه‌ترین فرد در عالم به حاج قاسم است. کوچک‌ترین فرزند حاجی است؛ ولی هم در روحیه و هم در رفتار خیلی شبیه حاجی است. زینب حتی بارها با

حاجی مأموریت‌های

خارج از کشور

هم رفته بود؛

مانند حاجی

به لهجه‌های

زبان عربی و

زبان انگلیسی

مسلط است.

جنگ با حاج قاسم رفتیم قرارگاه قدس و بعدش هم حاج قاسم گفت برای انجام مأموریتی باید به تهران برویم و یکی دو سالی آنجا هستیم. ما هم رفتیم، ولی تا شاهدش مأموریتش ادامه یافت. با «نصرالله جهانشاهی» راننده و یار همراه حاج قاسم که افتخار همسایگی ایشان را هم داشته، در گفت‌وگویی با ما از حاج قاسم می‌گوید.

درباره رفتار ایشان با خانواده شهدا بگویید.

حاجی بچه‌هایش را خیلی دوست داشت، اما اگر یک فرزند شهید روی یک پایش نشسته و روی پای دیگرش فرزند خودش بود و فرزند شهیدی دیگر می‌آمد، بچه خودش را می‌گذاشت زمین و روی پای دیگرش بچه شهید را می‌گذاشت؛ اینقدر به بچه‌های شهید اهمیت می‌داد. برای بچه‌های شهید وقت می‌گذاشت و به خانه آنها می‌رفت. چه مدافعان حرم و چه شهدای لشکر.

از مهمان‌نوازی حاج قاسم بگویید.

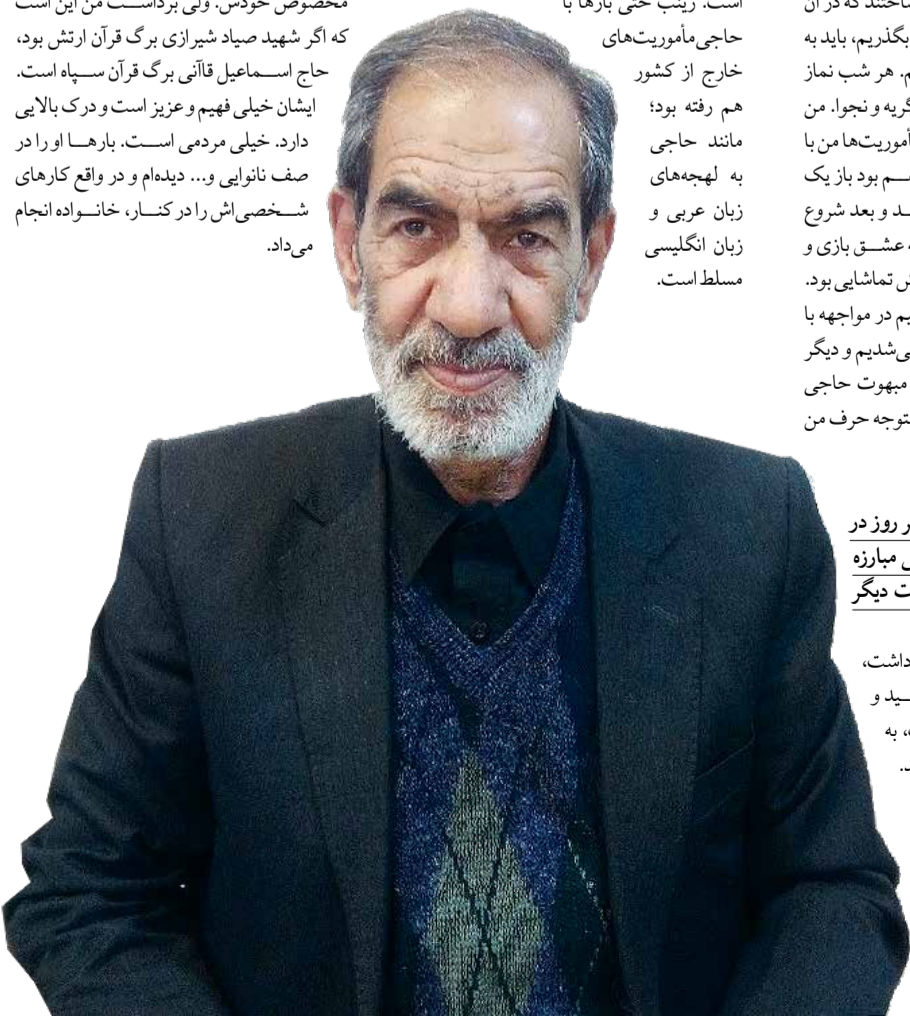
حاجی خادم امام(رضاع) بود، ولی خادمی راننده‌اش را هم می‌کرد. می‌رفتیم خانه حاجی مهمانی، می‌دیدم کفش‌های‌مان را دم در جفت کرده است. از ما پذیرایی می‌کرد و در خانه اگر غذای خوبی داشت حتماً آن را به مهمان می‌داد و تا نمی‌خوردی نمی‌گذاشت بروی. تکبر اصلاً در وجود او نبود و به چیزی وابستگی نداشت.

هدف حاج قاسم از کارهایی که در نیروی قدس انجام می‌داد، چه بود؟ یعنی به ایران و عزت ایران علاقه داشت یا نه، اهداف دیگری را دنبال می‌کرد؟

فقط انجام فرمان آقا برایش مهم بود. می‌گفت باید عزت ایران و بعد قدرت شیعه و اسلام را بالا ببریم و مردم مظلوم را که فرق نداشت چه دینی داشته باشند، نجات دهیم. ایران و اعتلای ایران برایش خیلی مهم بود و همه اینها را بر اساس ولایت‌مداری انجام می‌داد.

شما سال‌ها در نیروی قدس و در محل زندگی‌تان علاوه بر حاج قاسم سلیمانی با حاج اسماعیل قاننی هم مانوس بودید، به علاوه با ایشان همسایه بودید، نظر شما درباره سردار قاننی چیست؟

حاج اسماعیل به منطقه خیلی مسلط است و اطلاعاتش خیلی زیاد دارد. هر کس خصلیتی دارد مخصوص خودش. ولی برداشت من این است که اگر شهید صیاد شیرازی برگ قرآن ارتش بود، حاج اسماعیل قاننی برگ قرآن سپاه است. ایشان خیلی فهم و عزیز است و درک بالایی دارد. خیلی مردمی است. بارها او را در صف نانوائی و... دیده‌ام و در واقع کارهای شخصی‌اش را در کنار، خانواده انجام می‌داد.



چله عشق

پاداشت اربعین سردار دل‌ها
ضمیمه شماره ۹۲۴ هفته نامه صبح صادق

صداقت

یادداشت

تداوم سلسله سیلی‌ها

مصطفی قربانی

کارشناس سیاسی



شاید زمانی که رهبر معظم انقلاب سال ۱۳۹۸ را «سال فرصت‌ها، سال امکانات و گشایش» برای ملت ایران دانستند، کمتر کسی عمیقاً باور داشت این پیروزی‌ها محقق خواهد شد. در واقع، آن زمان ابهام این بود که علی‌رغم تحریم و فشارهای جامع و حداکثری دشمن، امسال چگونه می‌تواند سال فرصت، امکانات و پیروزی‌های بزرگ برای ما باشد. چگونگی و نقطه شروع این موضوع را باید در تغییر راهبرد در قبال برجام، از انفعال به «مقاومت فعال» دانست؛ راهبردی که پیگیری آن سبب شد دشمن و شبکه همکار منطقه‌ای آن به تحمیل هزینه و عقب‌نشینی وادار شوند.

درواقع، از ابتدای امسال تاکنون، چند ضربه و سیلی محکم بر صورت دشمن زده‌ایم؛ از سرنگونی پهباد فوق‌بیشرفته آمریکایی گرفته تا توقیف مقتدرانه نفت‌کش انگلیسی در خلیج فارس، ضربه به منافع دشمن و همکاران منطقه‌ای آن به دست نیروهای محور مقاومت و اخیراً خلق دو یوم‌الله مهم؛ تشییع میلیونی پیکر مطهر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و حمله نقطه‌زانه به پایگاه هوایی آمریکایی عین‌الاسد در عراق. نکته جالب توجه اینکه همه این دستاوردها در حالی اتفاق افتاده است. که ایران در شرایط فشارهای حداکثری و جامع دشمن به سر می‌برد و دشمن هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد ایران بتواند اینگونه قاطعانه در برابر آن ظاهر شود. به عبارتی، تصور دشمن این بود که با حداکثرسازی فشارها، ایران دیر یا زود تسلیم خواهد شد؛ از این‌رو شاهد بودیم رئیس‌جمهور تروریست آمریکا اعلام می‌کرد ایرانی‌ها به زودی به من زنگ می‌زنند؛ اما علی‌رغم این توهم آمریکایی‌ها، روند تحولات درست در جهت عکس او هام آنها پیش رفت.

با این وجود، بحث اصلی این است، همانگونه که در ماه‌های اخیر نقشه و توهم دشمن را از جنبه‌های گوناگون خنثی و آنها را بیش از پیش ناامید کرده‌ایم، اما ضروری است با حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن و انتخابات، مجدداً سیلی همگانی و میلیونی دیگری به صورت دشمن زده شود تا بار دیگر تصورات موهوم دشمنان باطل شود. آنچه اهمیت این حضور را مضاعف می‌کند، هدف دشمن از اعمال فشارهای حداکثری و تصورش از فضای داخلی ایران است؛ به این معنی که دشمن با اعمال فشارهای حداکثری درصدد بود عرصه را بیش از پیش بر ملت ایران تنگ و آنها را ناراضی کند تا اتصال و پیوند آنها با نظام را تضعیف شود و آنها را به اعتراض وادارد. مبتنی بر همین تصور، دشمن گمان می‌کرد چنانچه قهرمان ملی ایرانیان را ترور کند، نه تنها با اعتراض و انزجار، بلکه با استقبال و تشکر ایرانیان مواجه خواهد شد؛ اما به لطف الهی و بصیرت و حضور آگاهانه مردم در تشییع پیکر مطهر سردار سلیمانی و پیش از آن، همراه نشدن آنها با آشوب‌گران در وقایع آبان ماه امسال، مهر ابطال بر این توهم دشمنان زده شد. در واقع، مردم با حضور میلیونی خود در تشییع پیکر سردار سلیمانی، شکست سیاست فشار حداکثری و جامع ترامپ را به او نشان دادند. حال با خلق حماسه میلیونی و مشارکت حداکثری در انتخابات، سیلی محکم‌تری بر صورت ترامپ زده خواهد شد و شکست فشارهای حداکثری او بیش از پیش نمایان می‌شود و به باوری مستحکم نزد او تبدیل خواهد شد.

احترام دشمن به سردار مقاومت

حاج قاسم سلیمانی از نگاه دشمنان

امین پناهی خبرنگار

در عصر ما بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه کشورهایی که در منطقه غرب آسیا واقع شده‌اند، سال‌های طولانی درگیر جنگ‌های گوناگون هستند. مختصات جنگ‌ها دیگر مانند گذشته نیست که کشوری به سبب اختلافش با کشور دیگر، به آن لشکرکشی کند و همه چیز در میان همین دو کشور محدود باشد. در حال حاضر هرگاه شاهد جنگی هستیم، پشت هر کشور درگیر جنگ، یک ائتلاف قدرتمند دیده می‌شود. حال آنکه در بسیاری از این موارد دیگر جنگ کشورها با یکدیگر معنا پیدا نمی‌کند، بلکه جنگ، جنگ قدرت‌هاست.

اما آنچه از گذشته‌های دور تاکنون در جنگ‌ها ثابت مانده است، وجود سردارانی است که حضور یا غیبت آنها معادلات جنگی را تغییر می‌دهد. در تاریخ و متون ادبی ما از اسطوره‌های فراوانی نام برده شده است؛ اما در عصر حاضر با یکی از این اسطوره‌ها زیسته‌ایم؛ این شخص «شهید حاج قاسم سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه بود که حتی نامش لرزه بر اندام دشمنان می‌افکند. البته این گزاره فقط ادعای مردم ایران نیست، بلکه در بسیاری از موارد غربی‌ها، حتی دشمنان جمهوری اسلامی و حاج قاسم به این نکته اذعان می‌کنند.

دست برتر ایران

نشریه «نیویورکر» در سپتامبر ۲۰۱۳ گزارشی تفصیلی را درباره حاج قاسم سلیمانی منتشر و ابعاد گوناگون زندگی او را بررسی کرد. در بخشی از این گزارش، به نقل از یک افسر پیشین سپاه در عراق آمده است: «سلیمانی یکی از قوی‌ترین عوامل اجرایی در خاورمیانه امروز است، ولی هیچ کس تا به حال چیزی از او شنیده است.» جالب اینجاست این نکات در زمانی بیان شد که نام حاج قاسم حتی میان مردم ایران هم زیاد شناخته شده نبود.

«The National» روزنامه‌ای اماراتی است که همان روزها یادداشتی را با قلم «مایکل تودولو» منتشر می‌کند: «سلیمانی این روزها فرمانده ارتشی است که گستره قدرت آن از غرب

دشمنی شایسته

«پترائوس» فرمانده سابق نیروهای آمریکا در عراق حدود چهار سال پیش طی مصاحبه‌ای به ویژگی‌های منحصر به فرد رقیب قدرتمندش در غرب آسیا اشاره کرد و گفت: «قاسم سلیمانی فردی بسیار توانمند و مدبر و دشمنی شایسته است. او بازی خود را به خوبی انجام می‌دهد، اما این بازی طولانی است؛ پس اجازه دهید ببینم حوادث چگونه پیش می‌رود.»

«باراک اوباما» رئیس‌جمهور سابق آمریکا که دولتش نقش اول تولید داعش بوده است، در یکی از دیدارهایش با «حیدر العبادی» نخست‌وزیر عراق در سال ۲۰۱۴ پیرامون سرلشکر سلیمانی گفت: «او دشمن من است، ولی من برای او احترام ویژه‌ای قائل هستم.»

در دسامبر ۲۰۱۷ «مایک پمپئو» رئیس وقت سازمان سیا طی سخنانی در همایش سالانه امنیت ملی ریگان در کالیفرنیا جنوبی ناخواسته به یک اعتراف تلخ تن داد و گفت: «درباره رفتارهای ایران در عراق نامه‌ای را برای ژنرال سلیمانی نوشته‌ام، اما او نامه من را باز نکرده است.»

اینها تنها بخشی از اظهار نظرهای دشمنان حاج قاسم پیش از به شهادت رسیدنش به دستور ترامپ بود؛ اما همان‌طور که در بسیاری از گزارش‌ها و اظهار نظرهای آمریکایی‌ها می‌بینیم، آنها حاج قاسم را دارای کاریزمایی نهفته می‌دانند و همین موضوع موجب شده بود بسیاری از سیاستمداران آمریکایی، به ویژه ترامپ و مردم آمریکا نسبت به وقایعی که قرار است پس از ترور ناجوانمردانه حاج قاسم رخ دهد، هراسان و نگران باشند. رعشه‌های دست ترامپ هنگام توجیه چرایی این ترور بازتاب‌های گوناگونی پیدا کرد.

آمریکا و رژیم صهیونیستی بسیار بیشتر از ما به نقش شهید حاج قاسم سلیمانی واقف بوده‌اند و ترور او را یک پیروزی برای خود تلقی می‌کنند. «برایان هوک» گفته است دونالد ترامپ «سلیمانی را از صحنه خارج کرد و این دستاوردی بزرگ است.»

همچنین حساب رسمی توئیتر دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی فیلمی از بنیامین نتانیاهو منتشر کرده است که در آن از اقدام آمریکا قدردانی کرده است؛ این یعنی حاج قاسم سلیمانی در این سال‌ها مأموریت خود را که نتیجه‌اش چیزی جز نابودی رژیم صهیونیستی نخواهد بود، به درستی انجام داده است.

جرعه

ما شیر میدانیم

در سینه‌ها مان زخم صدها بغض پنهانی است
چشمان مان از این مصیبت ابر بارانی است
ای بادهای هرزه در فکر کفن باشید
حال و هوای شهر مان بدجور طوفانی است
از پشت گرچه باز هم خنجر زدید اما
این شهر این خانه پر از قاسم سلیمانی است
این خانه از اهل وفا خالی نخواهد شد
این شهر این خانه پر از یار خراسانی است
آری عزاداریم اما غرق امیدیم
آری پس از این روزهای سخت آسانی است
آری پس از این، غنچه بسیار می‌رود
صدها گل قاسم در این گلزار می‌رود
سردار ما را بی هوا کشتن کجا زیبایست
این گونه جنگیدن مرام بیجه تر سواست
ای گرگاها مرد نبرد تن به تن باشید
شیر آمده آماده جان باختن باشید
چشم عدالت روز و شب در انتظار ماست
هیبت من الذله تا آخر شعار ماست
ما نان ز دست خصم پیغمبر نمی‌گیریم
ما مرد میدانیم در بستر نمی‌میریم
با دوستان خویش کارونیم و ارونیم
با دشمنان خویش البرز و دماوندیم
باید ببینی در رگ ما خون آرش را
در چشم‌ها مان غیرت صدها سیواش را
ما یک به یک از نسل خون از نسل شمشیریم
وقتش بیاید انتقامی سخت می‌گیریم
از ایستادن آسمان خسته نخواهد شد
راهی که با خون باز شد بسته نخواهد شد
حس می‌کنم روی سر خود دست قائم را
باید بگیریم انتقام حاج قاسم را
ای آسمان خون خواهی هابیل نزدیک است
شب‌های نابودی اسرائیل نزدیک است
حالا ببین تأثیر خون مرد مخلص را
هم حاج قاسم هم ابومهدی مهندس را
ای چشم‌بسته جمعه فریاد را دیدی؟
جمعه میلیونی بغداد را دیدی؟
از آبرو تا جان مرید امر جانانیم
ای گاوهای شیره ما شیر میدانیم
در راه میهن لشکر آماده بسیار است
سرباز جان بر کف چو حاجی زاده بسیار است
بر عکس بعضی مدعی‌ها عاشقیم آری
با مردم خود ما همیشه صادقیم آری
از وعده صد روزه با آنها نمی‌گوییم
نان را میان سفره شیطان نمی‌جوییم
از زلزله تا سیل هر جا بنگری آنجاست
آبادی این خاک مدیون سپاه ماست
با کدخدای بستید پیمان وفاتان را
تا پر کند یه جیب آقا زاده‌ها نان را
اندیشه و راه شما از نطفه معیوب است
آن کس که در سوریه می‌جنگد زن خوب است
ما تا همیشه یکدل و یک‌رنگ و یک‌دستیم
ای نابلد ما راه‌حل‌ها را بلد هستیم
ای آنکه می‌بندی دهان منتقدها را
جاری است دست در گدای ما خون «جهان آرا»
ما با همین معمار بالا می‌رویم آری
با خشت ایمان تا «ثریا» می‌رویم آری
غیرت شرف عزت بزرگی ارغمان ماست
پایش بیفتد باز موشک گفتمان ماست
بر طبل خوشحالی شیطان‌ها نمی‌گوییم
با یک خطا سربازها مان را نمی‌گوییم
ما هم عزاداریم از داغ کیوترا
ای کاش ما بودیم جاشان در هواپیما
ای هم وطن خوب است اصل انقلاب ما
آرام می‌گوییم خراب است انتخاب ما
حالا ببین سروی شده امروز این لاله
گرچه پر از زخم است این مرد چهل‌ساله
دست علی و فاطمه پشت و پناه ماست
این خانه خالی نیست صاحب‌خانه‌اش زهر است
زهرای همانی که سرود جان‌نثاری خواند
تا آخرین لحظه فقط پای ولایت ماند
ای حضرت خورشید هنگام ظهور توست
درمان این ظلمت فقط مهتاب نور توست
من شک ندارم شهر مان آباد خواهد شد
من مطمئنم قدس هم آزاد خواهد شد
محمود یوسفی

دل‌گویی‌های دختران انقلاب با دختر سردار مقاومت

در پی شهادت مظلومانه و عروج ملکوتی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، به ابتکار حجت‌الاسلام سید حامد عنوانی، امام جماعت مدرسه ابتدایی دخترانه انقلاب مشهد با نوشتن نامه‌ها و دل‌نوشته‌هایی به دختر شهید سلیمانی با وی ابراز همدردی کردند و از احساسات خود درباره شهادت سردار دل‌ها گفتند.

